

A Qualitative Content Analysis of Sermon 87 of *Nahj al-Balaghah* in the Light of Allameh Jafari's Mystical Commentary¹

Zahra Abyar 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
abyar.z@cfu.ac.ir



Abstract

The profound expressions of Imam 'Ali (peace be upon him) in *Nahj al-Balaghah* depict various dimensions of a seeker striving toward supreme perfection. In several passages, the exposition of truth in the domains of mysticism and spiritual perfection reaches such an ultimate point that it transcends conceivable limits. One such case is Sermon 87 of *Nahj al-Balaghah*, which articulates the ultimate purpose of human existential wisdom and mystical perfection. Given that contemporary social and cultural challenges—such as crises of identity, loneliness, and existential ambiguity—have obscured inner peace and meaning in human life, attention to *positive mysticism*, with its emphasis on spiritual and moral dimensions, can serve as an inspiring source for developing self-awareness and spiritual competencies to address such challenges. Accordingly, this study, employing an inductive qualitative content analysis, explores Sermon 87 through the mystical perspective of Allameh Jafari, a prominent commentator of *Nahj al-Balaghah*. The analysis

1. Abyar, Z. (2025). A Qualitative Content Analysis of Sermon 87 of *Nahj al-Balaghah* in the Light of Allameh Jafari's Mystical Commentary. *Islamic Spirituality Studies*, 4(1), pp. 7-39.
<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.71470.1143>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy

▣ **Received:** 2025/03/30 • **Revised:** 2025/05/28 • **Accepted:** 2025/07/27 • **Online Publication:** 2025/09/01

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



yielded four principal themes: (1) preliminaries of the mystical path, (2) attributes of the true seekers of God, (3) characteristics of the pseudo-seekers, and (4) indicators of true guidance. "Preliminary awareness," "sacred sorrow," and "ultimate unity of knowledge and action" represent the foundations of the positive mystical path. Other codes, including "illumination of life's meaning," "readiness to embrace reality," "annihilation in the Divine," "bestowal of existential grace," "justice," and "truth-centeredness," characterize the genuine seekers of God. Meanwhile, features such as "pretentious appearance," "subjective interpretation," "misguidance of people," and "lack of knowledge" define the pseudo-seekers; and the codes of "clear path," "authority of God's proof," and "the Ahl al-Bayt as divine trustees" signify the true guidance indicators, all analyzed within the framework of Allameh Jafari's mystical thought.

Keywords

Sermon87 of *Nahj al-Balaghah*; Content Analysis; Allameh Jafari; Positive Mysticism; Rational Life.

تحلیل محتوای کیفی خطبه ۸۷ نهج البلاغه در پرتو

شرح عرفانی علامه جعفری رحمته الله علیه

زهرا آبیاری 

استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

abyar.z@cfu.ac.ir



چکیده

تعبیر بلند امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، جلوه‌هایی از ابعاد گوناگون یک انسان پوینده در مسیر کمال برین را به تصویر کشیده است. در چند مورد از نهج البلاغه بیان حقیقت در قلمرو عرفان و کمال روحانی به آن حد نهایی می‌رسد که فراتر و بالاتر از آن قابل تصور نیست، از جمله خطبه ۸۷ نهج البلاغه که غایت حکمت وجودی و کمال عرفانی انسان بیان شده است. نظر به اینکه امروزه چالش‌های اجتماعی و فرهنگی از جمله بحران هویت و تنهایی، آرامش درونی و معناخواهی بشر را با ابهام جدی مواجه ساخته، پرداختن به عرفان مثبت با تأکید بر ابعاد معنوی و اخلاقی، می‌تواند به عنوان یک منبع الهام‌بخش با توسعه خودآگاهی و مهارت‌های معنوی، پاسخ‌گوی این چالش‌ها باشد؛ از این رو در این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی به واکاوی خطبه ۸۷ در پرتو اندیشه عرفانی علامه جعفری، شارح نهج البلاغه، پرداخته شد. چهار محور اصلی: مقدمات مسیر، مختصات واصلان حق‌نگر، مختصات انسان‌نمای صیاد و شاخص مسیر یاب در این تحلیل به دست آمد. «آگاهی مقدمی، اندوه مقدس و

۱. آبیاری، زهرا. (۱۴۰۴). تحلیل محتوای کیفی خطبه ۸۷ نهج البلاغه در پرتو شرح عرفانی علامه جعفری رحمته الله علیه. معنویت‌پژوهی اسلامی، ۴(۱)، صص ۷-۳۹.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.71470.1143>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۱۰ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

© ۲۰۲۵ «نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند»



وحدت نهایی شخصیت (معرفت و عمل)» بیانگر مقدمات مسیر عرفان مثبت و اشراف به معنای حیات، آماده پذیرش واقعیات، فناء در حق، فیض بخش هستی، عدالت گر و حق مدار نیز از کدهایی هستند که بیانگر مختصات واصلان به حق بود؛ همچنین در پرتو تحلیل محتوا مختصاتی چون «ظاهرنمایی، تأویل مندی، گمراهی مردم و نبود معرفت»، شاخص انسان‌نمای صیاد و کدهای «مسیر روشن، حجیت حجت خدا و دیعه الهی بودن اهل بیت (علیهم‌السلام)» نیز کدهای نشان‌دهنده شاخص مسیریاب بود که با نظر به اندیشه عرفانی علامه جعفری (رحمه‌الله) تحلیل شد.

کلیدواژه‌ها

خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه، تحلیل محتوا، علامه جعفری (رحمه‌الله)، عرفان مثبت، حیات معقول.

طرح مسئله

عرفان اسلامی به عنوان یکی از ابعاد عمیق و پیچیده دین اسلام، دارای تأثیرهای شگرفی بر زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. در زمان حاضر، با توجه به جدالهای موجود در جامعه جهانی و نیاز به آرامش روحی و معنوی، پرداختن به عرفان در متون دینی اسلام، به ویژه در نهج البلاغه، امری ضروری به نظر می‌رسد. نهج البلاغه، به عنوان مجموعه‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان قصار امام علی علیه السلام، نه فقط به بیان اصول اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد بلکه عمیقاً به مباحث عرفانی و معنوی نیز توجه دارد (Nasr, 2002, p. 45)؛ همچنین در دنیای معاصر، انسان‌ها با بحران‌های هویتی، اضطراب‌های اجتماعی و چالش‌های معنوی مواجه هستند. به همین دلیل، احیای مفاهیم عرفانی می‌تواند به عنوان یک راهکار مؤثر در جهت بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها مطرح شود. عرفان اسلامی، با تأکید بر تجربه‌های درونی و ارتباط مستقیم با خداوند، می‌تواند انسان را به درک عمیق‌تری از خود و جهان اطرافش رهنمون سازد (Chittick, 2012, p. 98). علاوه بر این، متون دینی مانند نهج البلاغه، به دلیل ویژگی‌های خاص خود، می‌توانند به عنوان منبعی غنی برای فهم عرفان اسلامی مورد استفاده قرار گیرند. در این متون، امام علی علیه السلام با بهره‌گیری از زبان ادبی و فلسفی، به تبیین معانی عمیق عرفانی می‌پردازد و مخاطبان را به تفکر عمیق و خودآگاهی دعوت می‌کند (Khatami, 2016, p. 116)؛ بنابراین بررسی شاخص‌های عارف و انسان پویده در مسیر کمال در این متون می‌تواند به غنای فکری و معنوی جامعه معاصر کمک کند و راهکارهایی برای مقابله با چالش‌های روحی و معنوی عرضه کند. در نتیجه، ضرورت پرداختن به عرفان در متون دینی اسلام، به ویژه نهج البلاغه، نه فقط به دلیل اهمیت آن در تاریخ تفکر اسلامی بلکه به دلیل نیازهای امروز جامعه بشری است. این موضوع می‌تواند به عنوان زمینه‌ای برای تحقیق و پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های فلسفی، اجتماعی و روان‌شناختی مطرح شود (Hosseini, 2019, p. 205).

سخنان نهج البلاغه، جلوه‌هایی از ابعاد گوناگون یک انسان پوینده در مسیر کمال

برین است. طبیعی است که این سخنان توهمات بی پایه و جزئیات زودگذر و ذوق‌پردازی‌های شاعرانه و افسانه‌گویی‌های تخدیرکننده نیست. محتوای این سخنان به همان اندازه واقعیت دارد که انسان در طبیعت وابسته به آفریننده طبیعت می‌تواند راه هدف اعلای زندگی خود را در پیش گیرد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۴۸۴). خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه یکی از این جلوه‌هاست که مختصات انسان رشدیافته در مسیر کمال را معرفی نموده است که علامه جعفری نیز بدان اذعان داشته (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۱) بر ضرورت توجه به عرفان در عصر حاضر تأکید دارند. از نظر علامه، عرفان نه تنها منافاتی با دانش و صنعت و گسترش یافتن علوم و فنون ندارد، بلکه با نظر به احتمال طغیان‌گری مدیران علمی و صنعتی، عرفان برای دفع مضار علم و صنعت ضرورت تمام پیدا می‌کند (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۱۲).

علامه عرفان را به دو قسم عرفان مثبت و منفی تقسیم می‌کند (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۴) و عرفان مثبت را موجب بروز عالی‌ترین و معقول‌ترین لذت‌های می‌داند از آن‌جهت که آدمی با وصول به آزادی، از علایق و خواسته‌ای جهان هستی رها می‌شود این رهایی بیشتر در سه مرحله صورت می‌گیرد:

مرحله اول انسان از دردها و تنش‌ها و اضطراب‌های ناشی از عوامل زندگی مانند شادی و اندوه، فقر و غنا، شکست و پیروزی، خنده و گریه رها می‌شود و هریک از این امور را پیامی از جانب خدا می‌داند. در مرحله دوم شخصیت به تدریج عظمت آزادی و پا گذاشتن بر حیطه علت‌ها و اشراف بر آن‌ها را درک می‌کند، در نتیجه جهان هستی و آنچه را که در آن است کالبدی بسیار زیبا و متناسب برای شخصیت خود تلقی می‌کند، به همین جهت است که هیچ فشار و تنشی از طرف کالبد بر او وارد نمی‌شود. علامه معتقدند که انسان وقتی به این رهایی و آزادی می‌رسد عالی‌ترین لذت وجودی را که برای شخصیت در حال ارتباط با جهان هستی و انسان‌ها امکان‌پذیر است، درک خواهد کرد. مرحله سوم سالک اگر توفیق رهاشدن از درک «ذات» یا «من» تعیین یافته (خود حقیقی) را به دست آورد در جاذبه نهایی کمال الهی قرار می‌گیرد. در این مرحله است که لذت و نشاط به «ابتهاج و شکوفایی» تبدیل می‌شود و حالتی فوق همه لذا ین نصیب

انسان می‌شود که اصولاً به‌هیچ‌وجه بالا از لذت‌های مادی و محسوس قابل مقایسه نیست (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

نظر به نگاه به عرفان مثبت است که علامه معتقد است «عرفان اسلامی گسترش و اشراف نورانی من انسانی بر جهان هستی است به جهت قرار گرفتن من در جاذبه کمال مطلق که به لقاالله منتهی می‌گردد» (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۳). بدین منظور سالک راه عرفان مثبت در حرکات تکاملی خود تلاش بس صمیمانه دارند تا گمشده حقیقی همه تلاش‌گران راه حقیقت را پیدا کرده و عرضه نمایند. منظور علامه از گمشده حقیقی یک هدف بسیار بالا برای حیات خود است که بدون تکاپو برای رسیدن به آن قطب‌نمای کشتی وجودش از کار می‌افتد در دریای بیکران و پرتلاطم عالم طبیعت گم می‌شود (جعفری، ۱۳۸۶، صص ۲۴-۲۵). در این عرفان مثبت نفی «من» به‌هیچ‌وجه معنایی ندارد. آنچه واقعیت دارد این است که من آدمی به جهت تخلق به اخلاق الهی به مرحله‌ای از کمال می‌تواند برسد که شعاعی از اشعه نور روح الهی شود (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۶) که مصداق آیه «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) می‌شود. این من انسانی به‌وسیله تکامل عقلی و قلبی از خود طبیعی می‌گذرد و به من ملکوتی راه می‌یابد من ملکوتی است که شایستگی اشراف واقعی به جهان هستی را نصیب شخص می‌سازد (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

خطبه ۸۷ یکی از خطبه‌های مهم امام علی (علیه السلام) است که مقدمات عرفان مثبت و شاخصه‌های عارفان راستین ترسیم شده است. با توجه به اینکه به صورت خاص این خطبه به جز یک مورد، مورد مطالعه مستقل نبوده است؛ ضرورت واکاوی و تحلیل این خطبه در پرتو اندیشه علامه جعفری دوچندان می‌شود.

۱. پیشینه

صدقی و پرنوش (۱۳۹۸) در مقاله «سبک‌شناسی ساختارگرایانه خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه» محققان به این نتیجه رسیده‌اند که سطوح سه‌گانه آوایی، نحوی و بلاغی به صورتی منسجم و به‌هم‌پیوسته افکار و اندیشه‌های امام علی (علیه السلام) را بیان می‌کند و آوا، نحو و

بلاغت آن در راستای سطح فکری در حرکت‌اند. سطح آوایی با موسیقایی که به واسطه تکرار حروف، سجع، جناس و تضاد ایجاد کرده و سطح نحوی با جمله‌های خبری، فزونی جمله فعلیه، تنابع اضافات، ادات هم‌پایه‌ساز و در نهایت به کارگیری ارجاع و سطح بلاغی با صنایع لفظی و بدیعی به دل‌انگیز شدن کلام و انسجام درونی متن و بیان معنا و مقصود مورد نظر امام علی (ع) به مخاطب کمک کرده‌اند.

حال با نظر به عنوان مقاله هم می‌توان فهمید که فقط از زاویه ساختاری به این خطبه پرداخته شده است و جستجو در منابع اطلاعات علمی نشان داد که در زمینه تحلیل محتوای این خطبه کار علمی خاصی انجام نشده است؛ از این رو این مقاله هم از نظر روش کار و هم از نظر پرداختن به محتوای خطبه آن‌هم در اندیشه علامه جعفری دارای نوآوری است.

۲. روش تحقیق

تحلیل محتوای استقرایی به عنوان یک روش تحقیق کیفی، به منظور بررسی و تفسیر دقیق داده‌ها و مضامین موجود در متون، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش به محققان اجازه می‌دهد تا از طریق شناسایی الگوهای تکراری و مضامین موجود در داده‌ها، به نتایج قابل اعتمادی دست یابند. در این مقاله، ما از روش تحلیل محتوای استقرایی برای بررسی [موضوع مورد بررسی] استفاده خواهیم کرد.

در تحلیل محتوای کیفی ابتدا، پرسش‌های تحقیق مشخص می‌شوند که به عنوان مبنای تحلیل محتوای استقرایی عمل خواهند کرد. این پرسش‌ها به ما کمک می‌کنند تا تمرکز خود را بر روی مضامین خاصی که در داده‌ها وجود دارند، حفظ کنیم. در همین راستا محقق در پی این پرسش بود که عارف راستین و عارف نما در نهج البلاغه با چه ویژگی‌هایی ترسیم و توصیف شده است؟ و برای یافتن مسیر حق چه راه‌های برون‌رفتی مشخص شده است؟

باید توجه داشت که در مرحله انتخاب نمونه برای تحلیل محتوا می‌توان مجموعه‌ای از متون مرتبط با موضوع تحقیق انتخاب شود. این متون می‌توانند شامل مقالات علمی،

کتاب‌ها، یا دیگر منابع معتبر باشند. انتخاب نمونه هم به گونه‌ای انجام می‌گیرد که نمایان‌گر گستره وسیع‌تری از دیدگاه‌ها و نظرات باشد (Elo & Kyngäs, 2008, p. 108). بدین منظور محقق در پی مختصات عرفان مثبت و راه دست‌یابی بدان، خطبه ۸۷ نهج‌البلاغه را انتخاب کرد که در میان سخنان امام علی (ع) این خطبه و همچنین خطبه متقین درباره عرفان حقیقی شاخصه‌هایی را برای عارف راستین مشخص کرده است. با توجه به اینکه این تحلیل در پرتو اندیشه علامه جعفری به‌عنوان شارح نهج‌البلاغه انتخاب شده است و علامه خطبه متقین را شرح نکرده همین خطبه (۸۷) برای استخراج شاخصه‌های عارف راستین برگزیده شد. بعد از این مرحله متن خطبه با ترجمه علامه جعفری به واحدهای معنادار تقطیع شد. داده‌های انتخاب‌شده به‌صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفتند و کدهایی برای شناسایی مضامین و الگوهای اصلی ایجاد شد. این فرایند شامل شناسایی جملات کلیدی، سخنان و عبارات تکراری است که به تحلیل عمیق‌تر کمک می‌کند (Braun & Clarke, 2006, p. 87). پس از کدگذاری، مضامین اصلی شناسایی و تحلیل شدند. در این مرحله، محقق به تفسیر داده‌ها پرداخته و ارتباطات و الگوهای موجود را شناسایی کند. این تحلیل می‌تواند به شناسایی چالش‌ها، فرصت‌ها و روندهای موجود در موضوع تحقیق کمک کند (Vaismoradi et al, 2016, p. 101). با توجه به اینکه این خطبه توسط علامه شرح داده شده است، محقق شرح مضامین را که به‌صورت پراکنده در دیگر آثار علامه بیان شده در کنار شرح همین خطبه تحلیل محتوا کرده است. برای اطمینان از اعتبار و روایی نتایج که در تحقیقات کیفی وجود دارد (Guba, 1985, p. 290 & Lincoln) محقق به بررسی دوباره کدها و مضامین پرداخته و با تطبیق و عرضه آن با سایر مطالب علامه در مجلدات دیگر شرح نهج‌البلاغه، دقت و صحت نتایج را به دست آورده است.

۳. یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوای خطبه ۷۸ در چهار محور مسیر مقدمات، مختصات واصلان حق‌نگر، مختصات انسان‌نمای صیاد و شاخص مسیر یاب مورد واکاوی قرار گرفت.

۳-۱. مقدمات مسیر

آگاهی مقدماتی، اندوه مقدس و وحد نهایی شخصیت (معرفت و عمل) از مهم ترین مقولاتی که بیانگر مقدمات مسیر در عرفان مثبت است که در جدول شماره ۱ آمده است:

جدول شماره ۱: مقولات و مضمون «مقدمات مسیر»

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۱	عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ	ای بندگان خدا! از محبوب ترین بندگان نزد خداوند، کسی است که خدا او را در راه پیروزی بر (هوس های سرکش) نفسش یاری کرده است؛	محبوب خدا؛ غالب بر هوای نفس	آگاهی مقدماتی	مقدمات مسیر
۲	فَأَسْتَشْعِرُ الْحُزْنَ	از این رو حزن را شعار [لباس زیرین] را جلیباب [=لباس روین] خود قرار داده است.	حزن	اندوه مقدس	
۳	وَتَجَلْبَبُ الْخَوْفَ	ترس از خدا را جلیباب خود قرار داده است	خوف		
۴	فَزَهَرَ مِصْبَاحُ الْهُدَى فِي قَلْبِهِ	در نتیجه، چراغ هدایت، در قلبش روشن شده	روشن شدن چراغ هدایت	وحدت شخصیت (معرفت و	

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۵	وَ أَعَدَّ الْقَرْيَ لِيَوْمِهِ النَّازِلَ بِهِ	و وسیله پذیرایی روزی را که در پیش دارد (روز مرگ و رستاخیز)، برای خود فراهم ساخته است	آماده قرار گرفتن در پیشگاه خدا روز قیامت	عمل)	

آگاهی مقدماتی: از نظر علامه جعفری خودسازی، هدف اساسی عرفان مثبت

است (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۲) که بدون شناخت خویشتن امکان پذیر نیست و این امر نیازمند این است که انسان از صفات و فعالیت‌ها و چگونگی تأثیر خود را از کالبد جسمانی و دنیای مادی و همچنین از استعدادها و نیروهای خود اطلاع داشته باشد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۲). برای درک این امر، علامه معتقد است انسان ابتدا باید بیداری و آگاهی به هستی خود را در جهان بزرگ درک کند. این بیداری و آگاهی، طبیعی‌ترین حرکت «من» است و نیازی به فرورفتن در شناخت علمی و فلسفی ندارد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۲). بعد از درک این مرحله که به «من زنده‌ام» اذعان پیدا می‌کند، به دنبال پاسخ به سؤال «چرا و یعنی چه» در این جهان اقدام می‌کند و احساس‌رهایی و آزادی برای فعلیت‌های خود را درک می‌کند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۵). وجود روح کمال‌نگر و بالانگر انسان در این مرحله نقش مهمی دارد.

اندوه مقدس: غیر از روح کمال خواه انسان، از نظر علامه «یکی از اساسی‌ترین

انگیزه اقدام به خودشناسی و خودسازی، نگرانی مقدسی است که انسان هشیار در هر حال که باشد، درباره «آنچه باید» در درون خود احساس می‌کند. این نگرانی مقدس، همان اندوه مقدس است» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۳) اندوه مقدس ناشی از توجه دقیق به سرمایه بزرگی که خداوند هستی‌بخش به انسان عنایت فرموده است. این کنجکاوی را به دنبال

خود می‌آورد که آیا من از این سرمایه «آن‌چنان‌که باید» بهره‌برداری می‌کنم یا نه؟ علامه در شرح خطبه ۱۱۳ نیز به این اندوه اشاره می‌کند و می‌گوید دو نوع غم و اندوه وجود دارد: در حالت اول غم و اندوه ناشی از درک ضرر در مال، جان، موقعیت و مقام است که همه قصد فرار از آن را دارند. کاهش فعالیت‌های مغزی، روانی و جسمی از ویژگی‌های این نوع غم است. در حالت دوم غم و اندوهی است که درون هیچ انسان رشد یافته‌ای خالی از آن نیست؛ زیرا یکی از مختصات رشد همین است که انسان همواره هم‌زمان با احساس انبساط روانی و بهجت روحی، نوعی سوزش اشتیاق به کمال بالاتر را با انقباضی ناشی از اینکه مبدا در گذرگاه عمر نسبت به انجام خیرات کوتاهی کرده، در درون خود درک می‌کند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۸، صص ۱۴۵-۱۴۶). از مختصات این غم مقدس اینکه دارنده آن از نشاطی بسیار جدی برای کار و تکاپو در مسیر تکلیف بایستگی‌ها و شایستگی‌ها برخوردار است. یکی دیگر از مختصات این احساس، اینکه هراندازه هم شادمانی به آن پارسایان روی آورد، نه تنها از آن احساس کاسته نمی‌شود بلکه با نظر به لزوم افزایش محاسبات دقیق در عدل و نتایج آن شادمانی، بر اندوه آنان افزوده می‌شود (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۸، ص ۱۴۷).

در بحث مقدمات ورود به عرفان مثبت از نظر علامه، هراندازه تطبیق عمل بر آن آگاهی‌ها و بیداری‌ها افزایش پیدا کند بر روشنایی‌ها و نورانیت‌های عرفانی افزوده می‌شود و این همان معنای «فَزَهَرَ مِصْبَاحُ الْهُدَى فِي قَلْبِهِ...» است که در فراز آغازین این خطبه آمده است. علامه نیروی اصلی این چراغ را این می‌داند که انسان این نورانیت را از تمایلات و خودخواهی‌ها مصون نگه دارد؛ زیرا این چراغ به نحوی است که اگر در پرتو آن حرکت و عمل صورت نگیرد، نور آن خاموش می‌شود.

میل به کمال خواهی انسان و غریزه جبران ضعف (نگرانی مقدس) سبب می‌شود که «من» همراه برای رسیدن به مراحل بالاتر تحریک شود و چون تحریک بسیار نیرومند است و احتمال از دست دادن کمال، موجودیت انسان را غیرقابل تفسیر و توجیه می‌کند، همواره نوعی نگرانی (نگرانی مقدس) در انسان بروز

می‌کند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۵). علامه در ادامه تفسیر عرفانی فرازهای مقدماتی این خطبه بیان می‌کنند که انسان پس از طی این مراحل، عمل برای ورود به مسیر کمال ضرورت پیدا می‌کند. منظور از عمل این است که بتواند «من» سالک را تلطیف و تهذیب کند و این امر بدون تبعیت از دستوران فرستادگان الهی و حکمای راستین مسیر نمی‌شود.

وحدت نهایی شخصیت: با چنین تفسیری علامه معرفت مقدمه عمل و عمل مقدمه معرفت را در گردیدن عرفانی امری ضروری می‌دانند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۳۷). این بیان علامه نشان‌دهنده این است که برای عمل، نیازمند معرفت و شناخت و بعد از آن، همان عمل مقدمه برای شناخت بعدی می‌شود که تکامل عرفانی معرفت و عمل را نشان می‌دهد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۴۲). شاید در ابتدا معرفت و عمل امری جداگانه به نظر برسد ولی بعد از اینکه شخصیت سالک عارف به کمال بیشتری دست یافت، این تفکیک از بین می‌رود و وحدت نهایی در شخصیت فرد صورت می‌گیرد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۴۳). به تعبیر علامه هراندازه رشد شخصیت افزایش پیدا کند، بهره‌برداری شخصیت از وسایل و ابزار درک و تعقل با حسابگری‌ها و هدف‌گیری‌ها معقول‌تر و والاتر شده و موجب دگرگونی متن شخصیت آدمی می‌شود تا جایی که شخصیت آدمی، نورانی و عقل محض می‌شود (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۴۳).

۲-۳. مختصات واصلان حق‌نگر

تحلیل فرازهای خطبه یادشده پس از بیان مباحث مقدماتی عرفان مثبت، نشان داد که علامه جعفری بعد از اینکه معرفت و عمل را در متن شخصیت آدمی در راستای اهداف تبیین نمودند، تجلی این وحدت (معرفت و عمل) را در قالب خصایصی چون «اشراف به معنای حیات»، «تسهیل سخت‌ترین تکاپوها»، «فیض بخش هستی»، «عدالت‌گر»، «فنا‌ی در حق» و «حق‌مدار» بیان نمودند که در جدول شماره ۲ آمده است:

جدول شماره ۲: مقولات و مضمون «مختصات واصلان حق‌نگر»

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۱	فَقَرَّبَ عَلَى نَفْسِهِ الْبُعِيدَ	او، دور را برای خود نزدیک	تصرف در زمان/مسلط بر	اشراف به معنای حیات	واصل حق نگر
۲	وَهُوَ الشَّدِيدُ	و سختی را آسان کرده است	سختی‌ها		
۳	نَظَرَ فَأَبْصَرَ	نگریست و به مقام بینایی رسید	نگاه عبرت‌بین به هستی		
۴	قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ	بینایی به راهش پیدا کرد و در مسیر خود به حرکت پرداخت	دیدن راه با اطمینان		
۵	وَ عَرَفَ مَنَارَهُ وَ قَطَعَ غِمَارَهُ	و نشان رستگاری خود را با براهین روشن ساخت و از فرورفتن در شهوات گسیخت	شناخت رستگاری با براهین روشن		
۶	وَ ارْتَوَى مِنْ عَذَابِ قُزَاتٍ سُهِّلَتْ لَهُ مَوَارِدُهُ	از نهري گوارا و شیرین سیراب شد که جایگاه‌های ورود به آن نهر برای او آسان شده بود.	قابل تحمل شدن دشواری‌های مسیر کمال	آماده پذیرش واقعیات	
۷	فَشَرِبَ نَهْلًا وَ سَلَكَ سَبِيلًا جَدِّدًا	نخستین آب گوارا را آشامید و راهی روشن و هموار در پیش گرفت			
۸	قَدْ خَلَعَ سَرَائِلَ الشَّهَوَاتِ	پیراهن‌های شهوات را از خود برکند	پرهیز از شهوات		
۹	وَ تَخَلَّى مِنَ الْهُمُومِ إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا انْفَرَدَ بِهِ	و از همه انواع غم رها شد مگر یک غم که خود او به تنهایی آن را پذیرفت	رهایی از اندوه دنیاپی		

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۱۰	فَخَرَجَ مِنْ صَفَةِ الْعَمَى وَ مُشَارَكَةِ أَهْلِ الْهَوَى	نتیجه این بود که از صفت نابینایی و از شرکت در هوای اهل هوا برکنار شد	رهایی را نابینایی و شرکت با اهل هوا		
۱۱	فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ	درجه یقین این انسان مورد عنایت خداوندی همانند نور خورشید پرفروغ شد	رسیدن به مرتبه اعلای یقین		
۱۲	قَدْ نَضَبَ نَفْسَهُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ فِي أَرْزَعِ الْأُمُورِ مِنْ إِضْطَارِ كُلِّ وَارِدٍ عَلَيْهِ وَ تَضْيِيرِ كُلِّ فَرْعٍ إِلَى أَضْلِهِ	و نفس خود را فقط برای خدا برپا داشت در بزرگترین امور از صادر کردن هر چه بر او وارد شود و بازگرداندن نه هر فرعی به اصل خود	برپاداشتن موجودیت خود برای خدا	فناهی در حق	
۱۳	مِصْبَاحُ ظُلُمَاتٍ كَشَافٌ عَشَوَاتٍ	چراغی است در ظلمات و کشف کننده تاریکی ها و شبهات.	روشنایی بخش		
۱۴	مِفْتَاحُ مُبْهَمَاتٍ	کلیدی است برای گشودن ابهام ها	گشاینده ابهام ها		
۱۵	دَفَاعُ مَعْضِلَاتٍ	و برطرف کننده دشواری ها	برطرف کننده دشواری ها		
۱۶	ذَلِيلُ فَلَوَاتٍ	او راهنمایی در بیابان های بی سر و ته و مسائل حیات است	راهنما در بیابان ها	فیض بخشی هستی	
۱۷	يَقُولُ قِيَّتُهُمْ	سخن می گوید و آن را می فهماند	سخن قابل فهم		
۱۸	وَ يَسْكُتُ قِيَّتُهُمْ	و سکوت می کند سالم می ماند	سکوت به جا		
۱۹	قَدْ أَخْلَصَ لِلَّهِ	اخلاص به خدا می ورزد و خداوند سبحان او را به مقام مخلصین نائل می سازد	رسیدن به مقام مخلصین		

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۲۰	فَاسْتَحْلَصَهُ فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ	از معادن دین خداوندیست	عامل به شرع		
۲۱	وَ أُوْتَادِ أَرْضِهِ	و مانند میخای محکم از عوامل نگهدارنده در روی زمین اوست	عامل حیات		
۲۲	وَ صَارَ مِنْ مَفَاتِيحِ أَبْوَابِ الْهُدَى وَ مَعَالِيْقِ أَبْوَابِ الرَّذَى	کلیدهایی برای گشودن درهای هدایت و قفل‌هایی برای درهای هلاکت در گمراهی‌ها شد	کلید درهای هدایت و قفل درهای گمراهی		
۲۳	قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ	خود را بر عدل و دادگری ملزم کرده	الزام خود به عدل	عدالت‌گر	
۲۴	فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهُوَى عَنْ نَفْسِهِ	و نخستین عدل وی درباره خویشتن نفی هوا و امیال از نفس خود او است	عدالت با خویشتن		
۲۵	يَصِفُ الْحَقَّ وَ يَعْمَلُ بِهِ لَا يَدْعُ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا أَمَّهَا وَ لَا مَظْنَّةَ إِلَّا قَصَدَهَا	حق را توصیف و به آن عمل می‌کند برای خیر هیچ نهایتی را رها نمی‌کند مگر اینکه قصد رسیدن به آن را دارد و هیچ مورد گمان خیر و رشد را از دست نمی‌دهد، مگر اینکه قصد رسیدن به آن را دارد	حرکت بر مبنای حق	حق‌مدار	
۲۶	وَ اسْتَمْسَكَ مِنَ الْعُرَى بِأَوْثَقِهَا وَ مِنَ الْجِبَالِ بِأَقْوَمِهَا	و از وسایل نجات به محکم‌ترین آنها چنگ زد و از طناب‌های نگهدارنده به محکم‌ترین آنها تمسک کرد	تمسک به بهترین وسیله در مسیر حرکت		

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۲۷	وَ ذَكَرَ	و به یاد خدا افتاد	عدم غفلت از خدا		
۲۸	فَاشْتَكَّرَ	و به ذکر فراوان پرداخت	ذکر مدام		
۲۹	قَدْ أَفْكَنَ الْكِتَابَ مِنْ زَمَانِهِ فَهُوَ قَائِدُهُ وَ إِمَامُهُ يَحُلُّ حَيْثُ حَلَّ ثَقَلَهُ وَ يُنْزِلُ حَيْثُ كَانَ مَنْزِلُهُ	کتاب الهی را بر مهار خود مسلط کرده است به همین جهت است که قرآن رهبر و پیشوای اوست در هر جا که بار دستورات آن کتاب آسمانی حلول کند در همان جا فرود می آید و هر جایی که آن نامه ربوبی نزول کند منزل می گیرند	همنشین با کتاب الهی		

اشراف به معنای حیات: از نظر علامه جعفری هر اندازه هدف «حیات معقول» چهره خود را برای عارف آشکارتر کند، ابعاد هندسی و همه نمودهای کمی و کشش زمان و مقاطع آن، سطحی بودن و وسیله بودن آن‌ها بهتر آشکار می‌شود تا جایی که همه هستی موقعیت واقعی خود را از عارف دریافت کرده و کمترین مانعی بر سر راه عارف باقی نمی‌ماند (علامه جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۴۴). چنین انسانی که در توصیف امام علی (علیه السلام) در این خطبه آمده بالاتر از آن است که دشواری‌ها و سختی‌های زندگی، روح او را فرسوده کند؛ زیرا چنین انسانی با احساس وابستگی به قدرت مطلقه خداوند، خود را توانا احساس می‌کند و با توسل به مقاله نفس مطمئنه (رعد، ۲۸) بر مشکلات فائق می‌آید (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۴۵) و با به دست گرفتن کنترل همه حواس به اختیار خود مصداق: «نَظَرُ فَأَبْصَرَ قَدْ أَبْصَرَ طَرِيقَهُ وَ سَلَكَ سَبِيلَهُ» می‌گردد و نگاهش به زندگی و هستی برای تحصیل بینایی و عبرت‌گیری است نه نگاه سطحی؛ از همین رو علامه می‌گوید چنین انسانی با اشراف به معنای حیات وابسته به هستی بزرگ که با آهنگی ربانی به سمت هدف اعلای خود است، به حیات نگاه می‌کند و به شناخت محدود زندگی قانع

نمی‌شود (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۲)؛ همچنین این انسان نه تردیدی دارد و نه دچار اضطراب و تشویش در فراز و نشیب‌های زندگی می‌شود بلکه «راه تشخیص داده‌شده و بیشترین استعدادها و امکانات را برای حرکت در آن راه پرمعنی به راه انداخته است» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۲).

آماده پذیرش واقعیات: عرفان الهی، انسان را آماده پذیرش واقعیات می‌کند به همین روست که مسیر الهی را در پیش گرفته به سمت هدف حیات حرکت می‌کند. علامه در شرح این فراز «وَأَرْتَوَى مِنْ عَذْبِ فُرَاتٍ سَهَّلَتْ لَهُ مَوَارِدُهُ فَشَرِبَ نَهْلًا وَ سَلَكَ سَبِيلًا جَدِّدًا» می‌گوید تحصیل آمادگی برای رشد و کمال عرفانی بدون تحمل گذشت‌ها و تن دادن‌ها به ناگواری‌ها و دست شستن از لذت‌های طبیعی حیوانی، امکان‌پذیر نیست بلکه مقصود امام علی علیه السلام از این فراز این است که عظمت و ارزش کمال روحی چنان برای این انسان روشن شده که سخت‌ترین تلاش و تکاپوها برایش قابل تحمل است (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۴۷). «وَتَخَلَّى مِنَ الْهُمُومِ إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا أَنْفَرَدَ بِهِ» در شرح این فراز علامه جعفری معتقد است انسان‌هایی که با عمل به دستوران الهی و تطبیق زندگی بر مقتضای عقل سلیم و ندهای حیات‌بخش وجدان، به مراحل رشد و کمال می‌رسند، خوف و اندوه آنان از بین می‌رود البته نه به آن معنی که اصلاً هیچ خوف و اندوهی در درون آنان نمی‌ماند، بلکه مقصود منتفی شدن خوف از گناهان و انحرافات و اندوه امور دنیوی است و این معنا منافاتی با وجود خوف به معنای احساس عظمت خداوندی و سلطه و دادگری مطلق او و عدم اطمینان به آینده ندارد؛ همچنین این منافاتی با لزوم رجاء و تحصیل بهجت و انبساط روانی که محصول ایمان به عنایات و محبت خداوندی است، ندارد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۷، صص ۵۸-۵۷).

علامه در ادامه در شرح این فراز «فَدَخَلَ سَرَائِلَ الشَّهَوَاتِ وَ تَخَلَّى مِنَ الْهُمُومِ إِلَّا هَمًّا وَاحِدًا أَنْفَرَدَ بِهِ» از هم و اهتمام انسان رشد یافته در مسیر کمال این گونه بیانی دارند که منظور از اهتمام «بسج کردن همه قوای مغزی و روانی و توسل به همه اندوخته‌ها و معلومات برای تحصیل موضوعی» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۴۹) است انسان تنها با اهتمام به جریان اصلی وجود «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (بقره، ۱۵۶) است که می‌تواند «من» خود را از

دست خواسته‌های ناچیز حیات طبیعی محض نجات دهد و با همه اشیا ارتباط آزاد برقرار کند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۰). برای توفیق یافتن به حیات معقول، فعالیت فکری و تعقل و به کار انداختن همه ابزار رشد ضرورت دارد و با توجه به اینکه خواسته‌های انسان در این دنیا متنوع و متعدد است؛ رسیدن به هر یک از آن‌ها، نیازمند بسیج همه فعالیت‌ها (فکری، تعقل و...) است که گاه هم نیاز است با برخی فعالیت‌ها مخالفت شود. نظر به اینکه به مقتضای هر خواسته‌ای در انسان یک «من» مستقل از «من»‌های دیگر شکل می‌گیرد لازم است به نجات حیات معقول از عوالم تباه‌کننده این جنبه متعالی حیات اقدام شود (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۰).

فناى فى الله: علامه جعفری غرض اصلی از تکاپوی عرفانی در این دنیا را این امر می‌داند که عارف «همه موجودیت خویش را در جاذبه خداوندی» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۳) ببیند نه اینکه فریب «خود» تورم یافته را بخورد. انسانی که به مقام «من برای خدا» توفیق یافته، در برابر همه حوادث زندگی و انگیزه‌های آن، به درجه امن و اطمینان رسیده است (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۴). در این فراز از خطبه «فَهُوَ مِنَ الْيَقِينِ عَلَى مِثْلِ ضَوْءِ الشَّمْسِ...» امام علی (علیه السلام) به مرتبه اعلای یقین انسان واصل اشاره دارد که تاریکی‌هایی که ممکن است دیگران را از حرکت بازدارد، برایش منتفی است؛ زیرا او خودش روشن است و همه چیز را در جاذبه الهی بدون شک و تردید، روشن می‌بیند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۲).

فیض بخش هستی: این کد به ویژگی‌های تجلی می‌یابد در انسان واصل اشاره دارد که از فرازهای این خطبه قبل استخراج است.

روشنایی بخش، گشاینده ابهام‌ها، برطرف کننده دشواری‌ها، راهنما در بیابان‌ها، سخن قابل فهم، سکوت به جا، رسیدن به مقام مخلصین، عامل به شرع، عامل حیات و کلید درهای هدایت و قفل درهای گمراهی از جمله این کدهاست.

از نظر علامه جعفری انسان واصل، پیشتازی است که روشنگر است و نگه‌دارنده کاروان حق جوی بشریت از گمراهی‌هاست: «مِصْبَاحُ ظُلُمَاتٍ كَشَافٌ عَشَوَاتٍ...» بدین معنی که چنین انسان وارسته از علایق طبیعت و واصل به جاذبه الهی، تنها به روشنایی

درون خود قانع نیست (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۴) بلکه «راهروان راه حقیقت، انسان‌های گم‌شده در بیابان‌های بی‌نشان و بی‌علامت را مانند گم‌شده خویشتن تلقی می‌کنند و تا آن‌ها را به جاده حقیقت، راهنمایی نکنند، دست از حقیقت برنمی‌دارند» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۴)؛ همچنین انسان عارف کسی است که لفظ باز نمی‌کند و برای تفهیم مطالب خود به مردم، برخورد نمایشی ندارد و الفاظش را طوری انتخاب می‌کند که مردم در فهم آن به زحمت نیفتند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۵). این فراز از خطبه «فَاشْتَخْلَصْتُ» به این حقیقت اشاره دارد اخلاص یکی از خصایص انسان کامل است. علامه معتقد است وصول به مقام اعلاي اخلاص که انسان کامل را به کمال خود رسانده و شایسته نام انسان کامل می‌کند، بدون تخلق به اخلاق الهی و تأدب به آداب الله امکان‌پذیر نیست (علامه جعفری، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۳۹۳). اخلاص نتیجه اساسی عشق است. کسی که اخلاص می‌ورزد به وسیله عشق، جوهر حیات خود را که مطلوب مطلق او در متن طبیعت است، در مجرای معامله قرار می‌دهد یعنی می‌خواهد خود را در معشوق فانی کند یا جزئی از او شود یا حیات خود را در جاذبه کمال معشوق به کمالی مطلوب خود برساند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۴، ص ۳۹۰). در این فراز «فَهُوَ مِنْ مَعَادِنِ دِينِهِ وَ أَوْتَادِ أَرْضِهِ» برخلاف آنچه مدعیان عارف نما معتقدند «هنگامی که حقیقت آمد، شریعت باطل شد»، عارف واقعی معادن دین خداوند است؛ بدین معنی که آنان معنای حقیقی دین و شریعت را به‌طور عمیق برای خود مطرح می‌کردند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۸) و کوچک‌ترین اعتقادات دینی و تکالیف شرعی و دینی را دارای حقیقت می‌دانستند.

عدالت‌گر: این فراز «قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَذْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ» مختصات دیگری از انسان واصل را معرفی می‌کند که تا عدالت را نسبت به خویشتن اجرا نکند نمی‌توان انتظار حرکت در وادی عرفان را از او داشت. علامه معتقد است عدالت «اساسی‌ترین عنصر کمال آدمی است... و عبارت است از شناخت موجودیت خویشتن و به کاربردن آن» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۵۹)؛ ازاین‌رو کسی که به شناخت و عمل فوق دست نیافته حق ادعای عرفان مثبت را ندارد.

حق‌مدار: علامه در ادامه خطبه در شرح این فراز «يَصِفُ الْحَقَّ وَ يَعْمَلُ بِهِ» به

خصیصه حق‌مداری انسان واصل اشاره دارد که بر مبنای حق حرکت می‌کند؛ از این روست که حق را توصیف می‌کند و عمل بر مبنای حق برایش ضروری است. علامه معتقد است هیچ کس حق ادعای وصول به مقابل عالی عرفان را ندارد مگر اینکه تا حد مقدور و امکان، با قانون هستی آشنا شود و از قانون موجودیت خود نیز آگاهی داشته باشد و بتوان بر مبنای آن سیر کند. تنها عارف است که از این قانون آشنایی دارد (آشنایی با قانون هستی و قانون موجودیت خویش). این دو آشنایی، قدرت توصیف حق را به عارف می‌دهد و اجازه دخالت امیال و هواهای آور را در توصیف حق نمی‌دهد و زمانی که این دو آشنایی به حد اعلای نتیجه خود می‌رسد که عمل بر طبق آن صورت گیرد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۰). این فراز «لَا يَدْعُ لِلْخَيْرِ غَايَةً إِلَّا أُمَّهَا وَلَا مَظْنَةً إِلَّا قَصْدَهَا» نیز در ادامه فراز قبل نشان‌دهنده ویژگی مهمی است که تکاپوی عارف را مشخص می‌کند: «برای خیر هیچ نهایی را رها نمی‌کند مگر اینکه قصد رسیدن به آن را دارد و هیچ مورد گمان خیر و رشد را از دست نمی‌دهد مگر اینکه قصد رسیدن به آن را دارد»؛ زیرا اساسی‌ترین خاصیت روح این است که هر خیر و کمالی را که درمی‌یابد، ظرفیت و تشنگی آن بر خیرات و کمالات بالاتر افزوده می‌شود؛ یعنی کمترین احتمالی کافی است تا انسان عارف برای تحصیل کمال دست به تکاپو بزند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۱). ذاکر بودن از مختصات دیگری است که امام علی (ع) با عبارت وَ ذَكَرَ «فَاشْتَكَّرَ...» از آن یاد کرده است. علامه معتقد است ذکر توجه و گرایش به اصل هستی و جریان وجود خویشتن که نتیجه‌اش تعلق مشیت الهی بر آماده کردن شخص ذاکر بری به فعلیت رساندن استعدادهای مثبتی است که در نهادش به ودیعه نهاده شده است (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۵، ص ۳۷۹).

۳-۳. مختصات انسان نمای صیاد

تحلیل محتوای فرازهای دیگر این خطبه نشان می‌دهد که امام علی (ع) پس از معرفی عارف واصل، مختصات انسان نمای صیاد را نیز مشخص کرده است که در قالب

مقولات «ظاهر گرایی»، «تأویل گرایی»، «گمراهی مردم» و «نبود معرفت» در جدول شماره ۳ آمده است:

جدول شماره ۳: مقولات و مضمون «انسان نمای صیاد»

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۱	وَ آخَرُ قَدْ تَسَمَّى عَالِمًا وَ لَيْسَ بِهِ فَأَقْبَسَ جَهَائِلَ مِنْ جُهَالٍ	انسان دیگری نیز وجود دارد که نام عالم به خود گرفته و او عالم نیست	عالم نمایان	ظاهر نمایی	انسان نمای صیاد
۲	وَ نَصَبَ لِلنَّاسِ أَشْرَاكَ مِنْ حَبَائِلِ عُزُورٍ	دام هایی از طناب های فریبا و گفتار بی اساس پیش پای مردم گسترده است	فریب مردم با سخنان ظاهر پسند		
۳	وَ قَوْلٍ زُورٍ	دام هایی از طناب های فریبا و گفتار بی اساس پیش پای مردم گسترده است	فریب مردم گفتار بی اساس		
۴	قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرَائِهِ	کتاب الهی را بر آرا حمل و تأویل کرده	تأویل آیات الهی به رأی	تأویل گرایی	
۵	وَ عَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَائِهِ	و حق را بر هواهای خویش باز گردانده است	تأویل حق بر هوای خود		
۶	يُؤْمِنُ النَّاسُ مِنَ الْعَظَائِمِ	مردم را از حوادث یا خطاهای بزرگ ایمن کرده	کوچک جلوه دادن گناهان در نزد مردم	گمراهی مردم	

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۷	و يَهْوُونَ كَبِيرَ الْجَرَائِمِ	و گناهان بزرگ را بر آنان ناچیز جلوه می‌دهد	جلب مردم از طریق امیال		
۸	يَقُولُ أَقِفْ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ فِيهَا وَقَعَ	ادعا می‌کند که در شبهات توقف کرده درحالی که در همان شبهات غوطه‌ور است	شهوت پرستی		
۹	و يَقُولُ أَغْتَرِلُ الْبَدَعَ وَ بَيْنَهَا اضْطَجَعَ	و می‌گوید از بدعت‌ها کناره‌گیری می‌کنم در صورتی که در میان بدعت‌ها آرمیده است	بدعت‌گذاری		
۱۰	فَالصُّورَةُ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَ الْقَلْبُ قَلْبُ حَيَوَانٍ	صورتش صورت انسانی ولی قلبش چون قلب حیوان است	صورت انسانی و قلب حیوانی/حیوان ی انسان نما		
۱۱	لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى	او درب ورودی رشد هدایت را نمی‌شناسد و از رشد و هدایت پیروی کند	نشناختن مدخل هدایت	نبود معرفت	
۱۲	فَيَسَّعُهُ	او درب ورودی رشد هدایت را نمی‌شناسد و از رشد و هدایت پیروی کند	عدم ورود به مسیر هدایت		

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۱۳	وَلَا بَابَ الْعَمَى فَيَصُدُّ عَنْهُ	همچنین این انسان‌نما درب ورودی ناینبایی را نمی‌داند تا از ورود به آن امتناع کند	ندیدن مسیر هدایت		
۱۴	وَذَلِكَ مَيْتُ الْأَحْيَاءِ.	و اوست مرده‌ای در میان زندگان	عدم حیات واقعی به علت جهل		
۱۵	وَأَصَالِيلٍ مِنْ ضُلَالٍ	نادانی‌هایی را از نادانان و گمراهی‌هایی را از گمراهان کسب کرده	کسب نادانی و گمراهی از نادانان		

ظاهر نمایی: امام علی علیه السلام در این خطبه انسان‌نماهایی را معرفی می‌کند که به شیوه‌های مختلف کوشش دارد به دیگران نشان دهد انسان عالمی است و باید از او فراگرفت. این نابخرد هدف حیات خود را در تمجید دیگران دانسته و در پی تحسین دیگران ادعاهایی گزاف دارد. این شکارچی انسان‌نما با «وَنَصَبَ لِلنَّاسِ أُشْرَاكًا مِنْ حَبَائِلِ غُرُورٍ وَ قَوْلٍ زُورٍ» در پی تحمیل خواسته‌های خود بر مردم است؛ بدین نحو که چهره جالبی از علم و معرفت از خود نشان می‌دهد. این امر تخدیر مردم را به دنبال دارد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۲). چنین انسانی مطابق این فراز از خطبه «قَدْ حَمَلَ الْكِتَابَ عَلَى آرَائِهِ وَ عَطَفَ الْحَقَّ عَلَى أَهْوَائِهِ» ملاک واقعیت محتویات قرآن را هوا و رأی خود دانسته از این رو مورد خطاب امام علی علیه السلام قرار گرفته است. چنین انسانی برای رسیدن به هدف خود، ابتدا عقل و وجدان خود را از کار انداخت و سپس قرآن و سنت و هر منبع الهی دیگر را مطابق رأی خود به همگان معرفی کرد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۳). علامه در

شرح این فراز بیان می‌کنند که «علم، فلسفه، هنر، سیاست، قضا و حتی منش عرفان به خود بستن، همه و همه این‌ها با کمیت‌ها و کیفیت‌های گوناگون در شرایط مختلف، وسایلی برای شکار بینوایان بی‌اطلاع بوده است» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۳)؛ از این رو به گمراهی مردم اقدام می‌کنند: «يُؤْمِنُ النَّاسُ مِنَ الْعَظَائِمِ وَ يَهْوُونَ كَيْبَرَ الْجَرَائِمِ». علامه در شرح این فراز می‌گوید: «میل و رغبت مردم بر این است که در دنیا زندگی همراه با لذتی داشته باشند و سختی‌ها آن‌ها را از پای درنیاورد و اگر گناهی مرتکب شوند به هر طریقی آن را توجیه و تفسیر کنند و اگر هم نتوانستند تفسیر و توجیه کنند، به یاد رحمت الهی و عنایت حق آن را برای خود توجیه کنند» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۵). حال این انسان‌نماهای صیاد، مردم را از طریق این امیال فریب می‌دهند و آن‌ها را نسبت به گناهانی که مرتکب می‌شوند ایمن می‌کنند و گناهان آنان را کوچک جلوه می‌دهند؛ همچنین این مدعیان، ادعاهایی دارند که مخصوص تهذیب یافتگان و کمال جویان است: «يَقُولُ أَقِفْتُ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَ فِيهَا وَقَعَ وَ يَقُولُ أَغْتَرِلُ الْبَدَعَ وَ بَيْنَهَا اضْطَجَعَ»؛ یعنی آنان خودشان را از ورود جسورانه به موارد شبهه تبرئه می‌کنند تا خود را از گروه کسانی که به جهت ورود به شبهه مورد سرزنش قرار خواهند گرفت، خود را خارج کنند با این کار درصدد منصرف کردن ذهن مردم از توجه به گناهان صریحی است که آنان مرتکب می‌شوند؛ همچنین منکر بدعت می‌شوند درحالی که دین به معنای حقیقی در اندیشه آنان جایگاهی ندارد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۶) همین بدعت‌هاست که موجودیت مادی و معنوی انسان را متلاشی کرده و آن را به ورطه نابودی می‌کشد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۹، ص ۲۵۷).

نبود معرفت: خصیصه دیگری که از این خطبه به دست می‌آید بدین معنی که این انسان‌نماها تنها ظاهری انسانی دارند که سد راه جویندگان حقیقت هستند. علامه معتقد است آسیبی که از حیوانات انسان‌نما به ارزش‌های والای انسانی در طول تاریخ وارد شده، بسیار بیشتر از آسیبی است که از حیوانات حیوان نما برای بشریت وارد شده است (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۷)؛ زیرا آنان باطل را با ظاهری آراسته به خورد مردم صادف دل و ساده لوح می‌دهند که توانایی تفکیک حق از باطل را ندارند.

وجود چنین خصایصی است که امام علی علیه السلام تعبیری مناسب‌تر از «وَذَلِكَ مَيْتُ الْأَحْيَاءِ» برای آنان نمی‌شناسد؛ از نظر علامه «نمایش حیات یا حیات نمایشی غیر از حیات حقیقی است؛ زیرا رکن اساسی حیات حقیقی یا حیات معقول خرد و وجدان آدمی است و با رفتن آن دو، حیات حقیقی و حیات معقول وجود ندارد» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۶۸). این مردگان نیز به علت مردن عقل و وجدان در درونشان وجودشان برای دیگران آزاردهنده و موزی است و با از بین رفتن خرد و وجدان، شخصی حق و باطل ازدست‌رفته و هدایت و گمراهی در آنان پدید می‌آید: «لَا يَعْرِفُ بَابَ الْهُدَى فَيَسَّعَهُ...».

۳-۴. شاخص مسیریاب

امام علی علیه السلام در فرازهایی پایانی این خطبه برای سالکان راه، شاخص معرفی کرده است که تحلیل محتوای این فرازها مقولات «مسیر روشن»، «اهل بیت ودیعه الهی» و «حجت بودن بر مردم» را به دست می‌دهد که در جدول شماره ۴ آمده است:

جدول شماره ۴: مقولات و مضمون «شاخص مسیریاب»

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۱	فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ وَ أَنَّى تُؤَفَّكُونَ وَ الْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ	پس به کجا می‌روید و به کدام پستی می‌گرایید درحالی که علائم راه راست بر پا	برپابودن علائم راه	مسیر روشن	
۲	وَ الْآيَاتُ وَاضِحَةٌ	و آیات واضح	منسوب بودن آیات واضح		
۳	وَ الْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ	و راهنمای روشن منصوب است.	منسوب بودن راهنمای روشن		

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۴	فَأَيْنَ يَتَّاهِ بِكُمْ وَ كَيْفَ تَعْمَهُونَ وَ يَبْنِيكُمْ عِثْرَهُ نَبِيِّكُمْ وَهُمْ أَزْمَهُهُ الْحَقُّ وَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ...	شما به کدام گمراهی گردانده می شوید و چگونه در تاریکی ها غوطه ور می شوید در حالی که دودمان پیامبران در میان شماست. آنان زمامداران حق و پیشتازان دین و زبان های صدقند آنان را در بهترین و مناسب ترین مقام قرآنی که دارند تلقی کنید و وارد شوید به آنان مانند ورود شتران تشنه به چشمه سارهای گوارا	وجود زمامداران حق و پیشتازان دین / وجود خاندان عترت میان مردم / تمسک به اهل بیت		شاخص مسیر یاب
۵	أَيُّهَا النَّاسُ خُذُوا عَنْ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ يَمُوتُ مِنْ مَاتَ مِثْلًا وَ لَيْسَ بِمَيِّتٍ...	ای مردم این روایت را از خاتم پیامبران بگیرید که فرموده است کسی که از ما می میرد مرده نیست و کسی که از ما می پوسد پوسیده نیست	متفاوت بودن مرگ اهل بیت با سایرین		
۶	فَلَا تَقُولُوا بِمَا لَا تَعْرِفُونَ فَإِنَّ أَكْثَرَ الْحَقِّ فِيمَا تُنْكِرُونَ.	پس آنچه را که نمی دانید نگویید زیرا بیشترین حق در آن ها چیزهایی است که شما انکار می کنید	پرهیز از انکار حق	حجیت حجت خدا	

ردیف	متن عربی	ترجمه	کد	مقوله	مضمون
۷	وَ اغْذِرُوا مَنْ لَا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَنَا	معذور بدارید کسی را که شما حجتی علیه او ندارید و او منم	نبود حجت بر حجت خدا		
۸	أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ وَ أَتْرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَضْعَفَ، قَدْ رَكُزْتُ فِيكُمْ زَايَةً الْإِيمَانِ وَ وَقَفْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ وَ أَلْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ غَذَلِي وَ...	آیا من در میان شما به قرآن عمل نکردم آیا در میان شما دودمان پاک پیامبر را به ودیعه ننهادم پرچم ایمان را در میان شما محکم نصب کردم و شما را به حدود حلال و حرام آگاه ساختم اخلاق نیکوی خود را به شما ارائه کردم...	ودیعه نهادن اهل بیت میان مردم / عمل به قرآن در میان مردم / تعیین حلال و حرام الهی / عدم اظهار نظر درباره اموری که عقل بدان نمی‌رسد	اهل بیت علیهم السلام؛ ودیعه الهی	

مسیر روشن: امام علی (علیه السلام) در این فرازاها «فَأَيُّ تَذَهُّبُونَ وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ وَ الْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ وَ الْآيَاتُ وَاضِحَةٌ وَ الْمَنَارُ مُنْصُوبَةٌ...» در صدد بیان این مهم هستند که با اینکه دلایل روشن از عقل و وجدان و کتاب الهی و همچنین عترت و خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) در برابر دیدگاه شماست و شما آن‌ها را کاملاً می‌شناسید... با این همه دلایل روشن، چه مقصدی را در پیش گرفته‌اید؟ علامه در شرح خطبه ۹۴ دریانی به همین مضمون می‌گوید «حجت‌های خداوندی چراغ‌هایی هستند که در گذرگاه حیات انسان‌ها نصب شده‌اند» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۴۳۴) به تعبیر علامه بدیهی است که چراغ و مشعل‌های فروزان در مسیر گذرگاه‌ها، برای مردمی روشنگری می‌کنند که آن گذرگاه را راهی برای مقصد خود بپذیرند و در آن مسیر حرکت کنند (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۴۳۴) در غیر این صورت از آن بهره‌ای ندارند.

علامه در ادامه و در شرح این حدیث نبوی: «أَيُّهَا النَّاسُ خُذُوا عَنْ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ﷺ إِنَّهُ يَمُوتُ مَنْ مَاتَ مِنَّا وَ لَيْسَ بِمَيِّتٍ وَ يَبْلَى مَنْ بَلَى مِنَّا وَ لَيْسَ بِبَالٍ» معتقد است مقصود از «وَلَيْسَ بِمَيِّتٍ» بقا و دوام مکتب و حقایقی باشد که پیامبر از طرف خداوند برای ارشاد و هدایت مردم آورده است و رسالت و ابلاغ این مهم، بر عهده پیامبر و خاندان اوست؛ از همین روست که امام علی در فراز بعدی «وَ اغْذِرُوا مَنْ لَا حُجَّةَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَنَا» خود را حجت خدا می‌داند کسی که در وصفش آمده است: «عَلَيَّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ»؛ این امر بامطالعه سراسر زندگی آن حضرت که بیانگر حجت بودن اوست قابل مشاهده است؛ به تعبیر علامه: «برای همه مردم کافی بود که برخی از سخنان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌شنیدند که پس از او مورد بهره‌برداری همه دانایان و حکمای تاریخ که از آن سخنان اطلاع پیدا کرده‌اند، قرار گرفته است» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۷۴).

ودیعه الهی: علامه در شرح این فرازهای پایانی بحث امانت و ودیعه الهی میان مردم را مورد تفسیر قرار داده است؛ به تعبیر علامه در این فرازها، انطباق همه اعمال فردی و اجتماعی امام علی (علیه السلام) بر کتاب الهی، قرآن که همان ثقل اکبر است، آن‌چنان بدیهی است که نیازی به تفصیل ندارد و همه در طول زندگی آن حضرت اذعان دارند که مرجع کل آن حضرت، قرآن بوده است (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۷۵). این بیان امام علی (علیه السلام) «أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ وَ أَتْرُكُ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ...» تعبیری دیگر از حدیث متواتر ثقلین است. علامه در تفسیر حدیث ذکر شده می‌گوید همان‌گونه که عترت پیامبر نمی‌توانند بدون قرآن مأموریت الهی خود را به‌طور کامل انجام دهند، کتاب خدا (قرآن) هم بدون تفسیر و تأویل و تبیین ظاهر و باطن آن به‌وسیله عترت که همان راسخون در علم‌اند، امکان‌پذیر نیست (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۱۰، ص ۶۱).

آن حضرت در ادامه می‌فرماید: «قَدْ رَكَّرْتُ فِيكُمْ رَايَةَ الْإِيمَانِ وَ وَفَّقْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ...» یعنی ایشان عظمت ایمان به خدا و حکمت هستی و وجود خود در عالم هستی را در بالاترین حد دریافته بود و می‌دانست که نوع انسان، تنها با ایمان به خدا تعالی خود خواهد رسید بلکه برعکس بدون ایمان، دردهای بشری و جهل و ظلمت هر هرگز منتفی نخواهد (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۷۶) شد؛ از این رو می‌فرماید که پرچم ایمان را در

میان شما نصب کردم در ادامه هم می‌فرمایید در ابلاغ و ارشاد مردم به شرع الهی کم‌ترین کوتاهی نکردم. جمله معروف «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفِدُونِي» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۷) که به تواتر از ایشان نقل شده است نشان‌دهنده این است که پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و افقه و افضای مردم بودند.

این فراز خطبه ۸۷ که مضمونی پرتکرار در سراسر نهج‌البلاغه دارد «حَتَّى يَطْنَ الظَّانُّ أَنَّ الدُّنْيَا مَعْقُولَةٌ عَلَى بَنِي أُمَيَّةٍ تَمْنَحُهُمْ دَرَّهَا وَ تُورِدُهُمْ صَفْوَهَا وَ لَا يَرْفَعُ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ...» وعده فناپذیری خود کامگان خودپرست را پیش‌بینی می‌کند. بدنی معنی که این امر جریان و قانونی کلی است که در حافظه تاریخ و ظهور و بروز تمدن‌ها ثبت شده است: «خود کامگی‌ها و تبهکاری‌هایی که فراغنه و عمالقه و طواغیت قرون و اعصار به راه می‌اندازند، هرگز جنبه اصالت و شایستگی به خود نگرفته... بلکه برعکس، عظمت‌ها و دادگری‌ها و فداکاری‌ها که همواره در برابر خود کامگی‌ها و بی‌شرمی‌های فراغنه، عمالقه، طواغیت و... مانند رگه‌های بسیار ظریف و ناچیز الماس در میان انبوه میلیاردها تن ذغال سنگ و دیگر موارد کم‌ارزش و بی‌ارزش بوده است» (جعفری، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۱۷۷) که همین عظمت‌ها و دادگری‌ها، اصیل‌ترین مایه‌های حیات آدمی تلقی شده و به‌طور ثابت و مستمر، عامل حرکت انسان‌ها به سمت خیر و کمال بوده است.

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوای خطبه ۸۷ با نظر به اندیشه عرفانی علامه جعفری نشان داد که «حیات معقول» مسیر انسن سالک و مقصدش «قرار گرفتن در جذبه کمال مطلق تا لقای الی الله» است. در عرفان مثبت هدف اصلی خودسازی است که با مقدماتی فراهم می‌شود و با حضور در اجتماع و تصدی نقش راهبری و هدایت‌گری به حد والای خود تجلی پیدا می‌کند. دست‌یابی به چنین جایگاهی نیازمند آگاهی‌ای است که نقش مقدمه برای عمل دارد و خود عمل نیز بار دیگر موجب افزایش آگاهی سالک برای ادامه مسیر می‌شود. طی این مقدمات، با «اندوه مقدس» (خوف و رجا در بهره‌گیری از توان و استعدادها در باره آنچه باید باشد) به وحدت میان معرفت و عمل (وحدت نهایی شخصیت)

می‌انجامد که با مختصات بی‌روز می‌کند: عارف پس از طی این مقدمات به معنای هستی که همان حیات طیبه است اشراف پیدا می‌کند؛ به نحوی که آماده پذیرش سختی‌ها و واقعیات مسیر می‌شود. همه موجودیت خود را در جاذبه الهی می‌بیند و به مرحله یقین رسیده تا جایی که از خود فراتر رفته، به هدایت جامعه نیز می‌اندیشد. قرار گرفتن در جایگاه تصدی مقام رهبری و هدایت نیازمند عدالت است که اجرای آن اول در حق خود عارف صورت می‌پذیرد؛ از همین رو سالک عمل به همه دستوران شریعت، وجه همت اوست چیزی که امام علی (علیه السلام) در این خطبه از آن به «معادن دین» تعبیر کرده است. حضور در اجتماع جهت عمل به رسالت راهبری جامعه، علاوه بر عنصر عدالت، نیازمند محوریت حق در تمام اعمال عارف است. این امر به معنای آشنایی عارف به دو قانون (قانون هستی و قانون موجودیت خویشتن در هستی) است تا بتوان در جایگاه هدایت جامعه قرار گیرد.

محور سومی که امام علی (علیه السلام) در این خطبه بدان اشاره دارد نشان‌دادن انسان‌نماهای صیاد است تا در جایگاه هدایت و رهبری جامعه شناخته شوند. نظر به اندیشه عرفانی علامه جعفری، عرفانی زمانی که با ارتباطات چهارگانه صورت پذیرد مذهب حاصل می‌شود؛ حال صیادانی که با ظاهرنمایی، تأویل آیات بر مراد و رأی خود موجب گمراهی مردم جامعه می‌شوند، فاقد معرفت به مسیر هدایت و راهبری هستند. اینان با «گفتار بی‌اساس» و «سخنان ظاهرپسند» مردم را از طریق امیال پست فریب می‌دهند که از نظر علامه، این همان عرفان منفی است و چیزی جز تخیلات پوچ نیست. امام علی (علیه السلام) راه برون‌رفت از این معضل را چنگ‌زدن به حجت‌های الهی می‌دانند که با نصب آنان، مسیر روشن است و علائم راهنمایی در سراسر مسیر زندگی تا رسیدن به زندگی معقول فراهم است، منتهی لازم است انسان در مسیر هدایت قرار گرفته باشد تا بتواند با بهره‌گیری از علائم (عقل، فطرت و وجود اهل بیت (علیهم السلام)) هدایت نصیب او شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

- جعفری، محمدتقی. (۱۳۸۶). عرفان اسلامی. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی. (۱۴۰۰). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه (تدوین و تنظیم: عبدالله نصری، ج ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صدقی، حامد؛ پرنوش، اشرف. (۱۳۹۸). سبک‌شناسی ساختارگرایانه خطبه ۸۷ نهج البلاغه. پژوهشنامه نقد ادب عربی، (۱۷)، صص ۱۷۱-۲۰۴.
- Braun, V, & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
- Chittick, W. C. (2012). *The Self-Disclosure of God: Principles of Ibn al-Arabi's Cosmology*. State University of New York Press.
- Elo, S, & Kyngäs, H. (2008). The qualitative content analysis process. *Journal of Advanced Nursing*, 62(1), pp. 107-115. <https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2007.04569.x>
- Hosseini, S. A. (2019). The Role of Islamic Mysticism in Contemporary Society. *Islamic Studies*, 58(2), pp. 201-220.
- Khatami, M. (2016). The Spiritual Dimension of Leadership in Islam: The Case of Nahj al-Balagha. *Journal of Islamic Ethics*, 1(1), pp. 113-130. <https://doi.org/10.1163/24685542-00101006>
- Lincoln, Y. S, & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic Inquiry*. Sage Publications.
- Nasr, S. H. (2002). *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. HarperSanFrancisco.

Vaismoradi, M, Turunen, H, & Bondas, T. (2016). Content analysis and thematic analysis: Implications for conducting a qualitative descriptive study. *Nursing & Health Sciences*, 18(1), pp. 100-105. <https://doi.org/10.1111/nhs.12268>